خراسان رضوی

صفحه آخر

یک‌شنبه
۳ تیر ۱۳۹۷
۱۰ شوال ۱۴۳۹
۸ صفحه/شماره ۳۸۷۸

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام صادق (ع)

بی نیازی و عزّت به هر طرف می گردند و چون به جایگاه توکل دست یافتند در آن جا قرار می گیرند.
کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۶۵، ح ۳

تنور

عمو شاطر

بازگشت غرور آفرین عمو شاطر با سوزن!

سلامی چو بوی خوش آشنایی! بله همان طور که ملاحظه می کنید این جانب «عموشاطر» همان «تنور» نویس محبوب قلب ها، سر و مو رو گنده دوباره بر گشته ایم به نوک صفحه آخر و از این به بعد هم همچون حلوای قند بیخ ریش این صفحه خواهیم بود. لذا به مسئولان محترم استان عرض می کنیم، که «مثل آش کشک گناباد است، بخواهید یا نخواهید خدمت تان هست» پس سعه صدر پیشه کنید و داغی تنور عموشاطر را تحمل! اما بشنوید که خراسان دیروز هفتاد ساله شد و همکاران ما در روزنامه خراسان، این تولد را دور هم جشن گرفتند و یک جشنواره مطبوعاتی هم برگزار کردند و به خودشان جایزه دادند و تقدیر کردند، لذا عمو شاطر این فرصت را غنیمت شمرد و فورا از کیسه اش یک سوزن درآورد و به اهالی خراسان زد تا جالدوزهای بعدی ان شاءا... برای مسئولان محترم استان باشد.

خراسان به روایت خراسان

۳ خرداد ۱۳۴۵

قتل به خاطر زردآلو

۵۲ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت: نزدیکی های ظهر بود و زن کربلایی عرق ریزان داشت خمیر درست می کرد که برای ظُهر نان بپزد که بچه هفت، هشت ساله خواهرش گریه کنان به داخل خانه دوید. صدای فریاد حیدر که هنوز او را فحش می داد، به گوش می رسید. زن کربلایی به طرف داری بچه از منزل بیرون دوید و فریاد زد: چرا بچه را زدی؟ حیدر فریاد زد: چرا به درخت زردآلو سنگ انداخت؟ زن کربلایی جواب داد: انداخت که انداخت مگه نمی دونی این بچه پدرش زندانه و دلش تنگه و خدا را خوش نمی آید. حیدر با عصبانیت جواب داد: به من چه بابای فلان فلان شده اش زندان است؛ هیچ کس حق نداره به درخت ها سنگ بیندازه. هر که می خواهد باشد. حیدر که گرمای هوا کلافه اش کرده بود و از دست بچه و خاله به شدت عصبانی بود، در حالی که مرتب فحش می داد، به راه افتاد. در این بین غلامعلی که او نیز وابستگی بازن کربلایی داشت سر رسید و از قال و مقال آنان متوجه موضوع شد. او نیز به حیدر اعتراض نمود که مرد حسابی مگر تو از خودت ناموس نداری که به زن و بچه مردم فحش می دهی و بد و بیراه می گویی؟ متعاقب آن، این دو به جان هم افتادند و حیدر برای این که اورا ادب کرده باشد، چاقویش را بیرون کشید و ضربات شدیدی به غلامعلی وارد کرد که در نتیجه مرد بیچاره جابه جا افتاد و مرد. حیدر نیز که این چنین دید، دوپا داشت، دوپای دیگر نیز قرض گرفت و فرار کرد تا وقتی که خانواده مقتول مراتب را به ژاندارمری اعلام نمودند. جنازه غلامعلی از طریق ژاندارمری جهت معاینه و انجام تشریفات قانونی به پزشکی قانونی منتقل گردید و پرونده تحت تعقیب قرار گرفت. حیدر که قصد داشت به کمک عمو و دوستانش به قتل جنبه منازعه بدهد، در چهارفرسنگی قوچان دستگیر شد و با قرار صادره به زندان افتاد. به این ترتیب دو دانه زردآلوی نارس مردی را به دل خاک سیاه فرستاد و جوان ۱۹ ساله ای را با آینده ای مبهم روانه زندان کرد.

بازار روز

منبع: سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی

کالا	قیمت(تومان)	واحد	کالا	قیمت(تومان)	واحد
گوجه فرنگی	۲۲۰۰	کیلوگرم	برنج پاکستانی درجه یک	۸۱۰۰	کیلوگرم
سیب زمینی	۱۵۰۰	کیلوگرم	روغن مایع	۵۷۵۰	بطری ۸۱۰ گرمی
پیاز زرد	۱۵۰۰	کیلوگرم	مرغ گرم	۶۴۰۰	کیلوگرم
عدس کانادایی	۵۵۰۰	کیلوگرم	گوشت گوسفندی (لاشه)	۴۵۵۰۰	کیلوگرم
لوبیا قرمز	۸۲۰۰	کیلوگرم	گوشت گوسفندی (ران بی چربی)	۵۷۰۰۰	کیلوگرم
روغن نباتی جامد	۲۷۶۰۰	حلب ۵ کیلویی			

آدم ها، قصه ها

سارا صالحی

گفت‌وگوی «خراسان رضوی» با «حشمت مهاجرانی» اولین مربی که تیم ملی ایران را به جام جهانی برد

انگیزه های عالی مقابل ستاره های پر تغالی

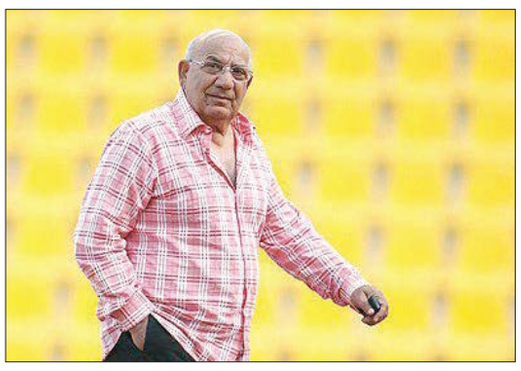

مانند بسیاری از هم‌نسلانش، فوتبال را با پاهایی برهنه از زمین های خاکی سعدآباد آغاز کرده و از آن زمین خاکی و محله قدیمی تا جام جهانی و بزرگ ترین ورزشگاه های جهان، راه زیادی را پیموده است. حشمت مهاجرانی نام قابل احترامی در فوتبال ایران است. او به نسلی از فوتبال تعلق دارد که با حداقل امکانات و منهای قراردادهای نجومی، پا به میدان می گذاشت و نتیجه می گرفت. او اولین کسی بود که تیم ملی ایران را به جام جهانی برد و در دوره مربیگری اش، فوتبال کشورمان، کارنامه درخشانی را کسب کرد. بعد از آن هم کارش را در امارات و عمان پیگیری کرد تا یکی از نادر مربیان آسیایی باشد که سه تیم ملی متفاوت را رهبری کرده است. شکسته شدن طلسم حضور او در صداوسیما، یکی از اتفاقاتی بود که طی هفته های گذشته بازخوردهای زیادی را رقم زد و قلب دوستداران فوتبال و ارادتمندان وی را شاد کرد. او حالا اگر چه حسرت بازنشستگی زودهنگامش را می خورد اما از این که شاگردان خوبی را طی این سال ها پرورش داده، خوشحال است و می گوید: چه چیزی بهتر از این که ده ها فرزند و میلیون ها طرفدار عاشق دارم؟ این روزها که جام جهانی و حضور موفق تیم ملی ایران در آن، حال و هوای جامعه را متاثر از خود کرده و آدرنالین خون ایرانی ها را چند درجه ای جابه جا کرده است، به سراغ این مربی دوست داشتنی اهل مشهد رفتیم و ضمن مرور خاطراتش، از او کیفیت حضور تیم ملی کشورمان در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه را جویا شدیم:

● پا به توپ از سعدآباد تا جام جهانی آرژانتین

مهاجرانی، حرفش را از عشق به بازی فوتبال در زمین های خاکی منطقه سعدآباد مشهد شروع می کند و می گوید: یادش بخیر، بچه های آن دوران حتما به خاطر دارند که چون از زمین، خاک زیادی بلند می شد، ساعت ها قبل از هر بازی آن را آب پاشی می کردیم، بعد مجبور بودیم در گل ولای دنبال توپ بدویم. آن عشق به فوتبال از جنس همان نسلی بود که بدون بهانه توپ و تور در میان تل خاک هم بازی می کرد. به غیر از من، از فوتبالیست های مشهدی هم دوره ای ام مرحوم جلال رسولی بود که تا معاونت سازمان تربیت بدنی هم رشد کرد. وی تعریف می کند، باشگاه فوتبال «ابومسلم» به واسطه خانواده آن ها پا گرفته و او و برادران فوتبالیست اش در قوت گرفتن و رشد آن نقش داشته اند. تنها تیمی که سال ها بعد به لیگ برتر راه پیدا کرد و به خوبی راهش را تا جام تخت جمشید ادامه داد و بی شک در ارتقای سطح کیفی فوتبال ایران موثر واقع شد. به نظر وی، از جمله موثرترین اقدامات آن دوران که نتایج مثبت آن تا امروز شامل حال فوتبال ایران شده است، راه اندازی جام تخت جمشید بود که در ادامه مسیر خود به لیگ برتر ختم شد. چه به عنوان بازیکن، چه در کسوت مربی، عناوین و افتخارات متعدد ملی و بین المللی را در کارنامه فوتبالی خود دارد، با این حال به رسم هم نسلانش اهل فروتنی است و علاقه ای به برشمردن آن ها ندارد و می گوید: در گذشته زندگی نمی کنم و بیشتر از آن درس می گیرم. زیرا معتقدم کسانی که با گذشته زندگی می کنند، از آن چیزی نیاموخته اند.

او عاشق فوتبال کشورمان است و خود را مدیون آب و خاکی می داند که بستر پرورش استعداد او بوده است.

● عشق؛ مهم ترین موتور محرک فوتبالیست های تیم ملی بود

وی نخستین مربی ایرانی است که تیم ملی فوتبال کشورمان را به جام جهانی می برد آن هم در سال ۱۹۷۸ و در شرایطی که آرژانتین میزبانی این مسابقات را بر عهده دارد. مهاجرانی نیم نگاهی دارد به دشواری های مربی گری در آن روزها و می گوید: «آن زمان ۱۶ تیم به جام جهانی راه می یافت و از این میان، سهم قاره آسیا تنها یک تیم بود اما اکنون پنج تیم جواز ورود را کسب می کنند. لذا راه ابی به این عرصه از رقابت جهانی بسیار دشوارتر از امروز بود. از طرفی یک چالش ما، سفرهای دور و درازی بود که با امکانات اندک آن دوران انجام می شد و ورزشکاران را خسته می کرد. خلاصه آن که تیم ملی برای اولین بار مستقیم و بدون باخت از آسیا به جام جهانی راه پیدا کرد و این موضوع باعث شد تا فوتبال ما در مسیر توسعه و رشد خود قرار گیرد. امکاناتی که در اختیار داشتیم در حد معقول و مناسب بود، ولی بزرگ ترین ویژگی آن تیم دوستی و رفاقتی بود که بین اعضا وجود داشت. آن روزها تیم ملی در تورنمنت های بین المللی، بازی های آماده سازی موفقی را پشت سر گذاشته بود اما با وجود این کسی توقع نداشت با جام، از آرژانتین برگردیم. با این حال معتقدم نتوانستیم به قواره توانمان و آن طور که باید و شاید، حضور موفقی را ثبت کنیم». او باور دارد که مهم ترین ویژگی فوتبالیست های آن دوران تیم ملی، عشق بود؛ «هیچ کدام از اعضا و کادر فنی از مربی تا حتی بازیکنان هم حقوق آن چنانی نمی گرفتند. بازیکنان تنها پاداش مسابقات را دریافت می کردند و حقوق من و دیگر کارکنان کادر فنی به قدر گذران اردوها بود. آن زمان جوانان فقط دوست داشتند فوتبال بازی کنند و کسب پول و شهرت، هدف آن ها نبود. با غیرت، جنگندگی و تعصب در هر زمینی برای عظمت و سربلندی مملکت شان می جنگیدند.»

● تیم فوتبالمان با تمام وجود جنگید و آبرومندانه شکست خورد

مهاجرانی در عین حال از توانمندی و انگیزه تیم ملی نسخه ۲۰۱۸ نیز دفاع می کند و می گوید: البته بچه های تیم ملی کنونی مان هم میل و اشتهای فراوانی برای تلاش کردن و دوندگی دارند که خروجی خوب و آبرومند آن را در بازی های مقابل مراکش و به خصوص اسپانیا به عینه دیدیم. در هیچ پستی بازیکنان ما قدم عقب نگذاشتند و با تمام وجودشان جنگیدند. آن ها تمام توانشان را برای حفاظت از دروازه شان به کار گرفتند و همین باعث شد حتی شکست شان هم آبرومندانه باشد. او کی روش را مربی باهوش و آنالیزوری قوی می داند که توانسته جوی رفاقتی در تیم ملی ایجاد کند. این مربی پیش کسوت فوتبال اضافه می کند: جدای از طرح و برنامه مربی، تیم ما همه فاکتورهای لازم فوتبال مدرن اعم از حمایت از بازیکن با توپ، پشتیبانی از بازیکن بی توپ، فضاشناسی و فضاسازی، دوندگی و هنر استفاده از توپ و... را دارد. حرف ها و حدیث های غیر حرفه ای از قبیل این که توپ گرد است و دروازه گشاد، پس فوتبال حساب و کتاب ندار دو غیر قابل پیش بینی است، به گذشته فوتبال تعلق دارد. فوتبال امروز منطق و برنامه دارد و به علم تبدیل شده است. با این همه، روی کاغذ تیم هایی چون اسپانیا و پرتغال از ایران می برند ولی خیلی اوقات، استعداد و انگیزه بازیکنان هم بخشی از ماجراهای فوتبال را رقم می زند.

وی با بیان برخی جنبه های مثبت رشد فوتبال در عصر حاضر ادامه می دهد: یکی از نکات مثبت فوتبال در عصر حاضر، این است که خوشبختانه این رشته به همه خانه ها و خانواده ها راه پیدا کرده است و این عشق فقیر و غنی، پیر و جوان، باسواد و بی سواد نمی شناسد. اگر کسی علاقه مند به بازی حرفه ای در زمین چمن هم نباشد، با جهان آن بیگانه نیست. رشد رسانه های گروهی هم کمک شایان توجهی به معرفی و رشد روز افزون فوتبال کرده و همه عوامل دست به دست هم داده است تا نسل نو، صرف نظر از هر انگیزه ای که دارند، تمایل زیادی به فوتبال و فوتبالیست شدن، داشته باشند.

● شیرین ترین خاطره عمرم راه یابی به جام جهانی فوتبال است

از شیرین ترین خاطرات دوران حرفه ای اش جویا می شویم که راه یابی به جام جهانی را بزرگ ترین و بهترین خاطره عمرش می خواند و نقل می کند: پیش از آغاز جام جهانی، تیم ما با استرالیا بازی داشت، در دوران اردوی تمرینی از بازیکنان پرسیدم: ساعت خواب تان را تنظیم کرده اید؟ گفتند: نه... خلاصه ساعت دو و نیم شب پینگ پنگ بازی می کردیم تا تمرینشان بدهیم که چطور خودرا برای سفرهای خارجی و تغییر ساعت آن آماده کنند. خوشبختانه همان آمادگی ها و تمرینات باعث شد تا بازی را در استرالیا ببریم. البته شیرینی اولین حضور تیم ما در جام جهانی خاطره مشترک ملت ماست. این خاطرات شیرین با نسل های مختلف باقی می ماند و به بخشی از تاریخ تبدیل می شود. چه خوب که ما هم سهمی در ساختن این اتفاقات شیرین داشته ایم. فارغ از نقش اثرگذارش بر تیم ملی و ساختن نسل طلایی از بازیکنان حرفه ای فوتبال در کشورمان، در دوره ای تربیت تیم فوتبال کشور امارات را از پایه تا موفقیت شان در مسابقات جام جهانی به دست می گیرد. وی تاکید می کند که در ایام مربیگری خود تلاش کرده است تا حق کسی ضایع نشود و از استعدادهای ناشناخته و شهرستانی استقبال می کرده است. مهاجرانی خاطرنشان می کند: ممکن بود برخی از این انتخاب ها اشتباه هم باشد ولی چون می دانستم جوانان شهرستان با امید از شهرشان به پایتخت قدم می گذارند، تلاشم این بود که عدالت را تا حد ممکن رعایت کنم. وی شاگردان بسیاری را به جامعه ورزشی کشور و جهان تحویل داده است و با افتخار درباره آن ها می گوید: «در شناسنامه ام نام دو فرزند ثبت شده اما به برکت حرفه مربیگری، ده ها فرزند و میلیون ها طرفدار عاشق دارم. همه فرزندان من بودند و هیچ کدامشان برایم با دیگری فرقی نداشتند».

● مدیون باشگاه پاس و مربی ام هستم

مثل همیشه به سوال استقلالی و پرسپولیسی بودنش جوابی متفاوت می دهد و خودش را هنوز یک پاسی در جه یک می داند و تصریح می کند: من و یکسری از بازیکنان آن دوره، از این باشگاه به تیم ملی آمدیم و هر چه امروز دارم، مدیون آقای اسداللهی مربی آن زمان پاس هستم. هیچ باشگاهی در ایران به اندازه پاس، مربی تیم ملی تحویل جامعه ورزشی نداده است. وی از بانی گلایه آمیز، به کم و کاستی های مالی و پشتیبانی نشدن از فوتبال خراسان رضوی اشاره می کند و می گوید: با این که ده ها کارخانه بزرگ در این شهر داریم، اما کمتر از تیم ها و استعدادهای شهرشان حمایت می کنند. دیگر دوران فوتبال آماتور گذشته و نمی توان با دست خالی فوتبال را به جایی رساند. امروز دیگر فوتبال یک عشق و علاقه صرف نیست و به حرفه بازیکنان تبدیل شده، پس نیازمند حمایت جدی و نگاه علمی است. با هر سفری به زادگاهش، روزهای خوش جوانی مثل فیلمی قدیمی از پیش چشمانش می گذرد؛ از مدرسه گرفته تا زمین های خاکی اما خاطره انگیز فوتبال. کمی از تعلقات احساسی اش به این شهر برایمان می گوید: هر وقت فرصت دست می دهد و سفری به مشهد می کنم، خاطرات شیرین دوستان و کوچه پس کوچه های محله مان و دوران جوانی برایم زنده می شود. چه آن زمانی که در مشهد اقامت داشتم و چه حالا که در تهران مشغول فعالیت هستم هر وقت مسابقه بزرگی داشتم، به مشهد و پابوسی امام رضا(ع) می شتافتم. زیارتی می کردم و با استمداد از حضرتش برمی گشتم. حتی اگر فرصتی اندک هم بود، با وجود این خودم را شبانه به مشهد می رساندم چون از برکت این سفر آگاه بودم. باور کنید هر آن چه می خواستم، آقا عنایت می کردند. هیچ وقت ناامیدم نکردند و دست خالی برنگشتم.

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

رضا قوچان نژاد، ملی پوش خراسانی که این روزها در حال آماده سازی برای مصاف با تیم پرتغال است، در مصاحبه با یکی از خبرگزاری ها، تاکید کرد که تیم ایران تلاش دارد با یک تاکتیک و توان خوب، به مصاف پرتغال برود و گفت: درست است رونالدو یکی از بهترین های جهان است ولی باید به کل این تیم احترام گذاشت چون آن ها بی دلیل قهرمان اروپا نشدند. این تیم فقط رونالدو نیست و باید بدانیم ما با کل پرتغال بازی داریم.

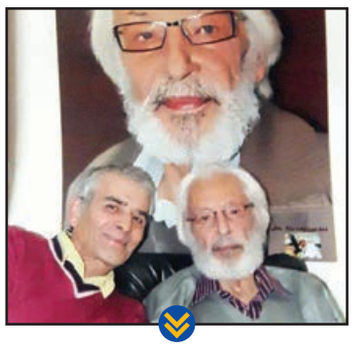

محمد شیری بازیگر خراسانی در صفحه اینستاگرام خود برای «جمشید مشایخی» پیش کسوت سینما آرزوی سلامتی کرد و نوشت: «مردم خوب هنر دوست ایران باز هم استاد مشایخی به علت بیماری در بیمارستان بستری شدند، خواهش می کنم برای بهبودی حال شان دعا کنید.»

حامد بهداد بازیگر خراسانی، صفحه اینستاگرام خود را با این عکس از پشت صحنه فیلم سینمایی «جان دار» به روز کرد. این اثر، اولین فیلم سینمایی مشترک حسین امیری دوماری و پدرام پورامیری است.

یادداشت

محمدتقی رهنمایی

عضو انجمن علمی گردشگری ایران

توسعه صنعت گردشگری مستلزم اتخاذ سیاست های جامع در امر بازاریابی

صنعت گردشگری در جهان، امروز جایگاه ویژه ای دارد و از منابع درآمدی بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به شمار می آید.

از سویی این صنعت یکی از بخش های مهم و در حال توسعه در میان صنایع خدماتی به شمار می رود. این صنعت از پویاترین فعالیت های اقتصادی عصر حاضر است که نقش مهمی در توسعه پایدار ایفا می کند. با این حال به رغم قرار گرفتن ایران در زمره ده کشور نخست جهان از لحاظ جاذبه های تاریخی و گردشگری، تاکنون نتوانسته ایم به جایگاه شایسته ای در این صنعت دست یابیم. به طور مثال ایران نخستین کشوری است که توانسته در دنیا حکومت کند و دولت تشکیل دهد، همچنین کشور ما نخستین و قدیمی ترین امپراتوری را در میان ۱۳ حکومتی داشته که یونسکو تعریف کرده است، با این حال بیشتر جاذبه های گردشگری ایران نه تنها در خارج از کشور بلکه برای ایرانیان نیز ناشناخته است.

به عبارتی واضح تر، بسیاری از جاذبه های گردشگری ایران نظیر مساجد، جاذبه های طبیعی، موزه ها، محوطه های باستانی، فرهنگی و تاریخی که در فهرست میراث فرهنگی جهان قرار دارند، در بین گردشگران مهجورند. لذا به نظر می رسد ضعف بازاریابی و نبود تبلیغات متناسب با نیازهای گردشگران و طراحی الگوهای رفتاری گردشگران از عواملی به شمار می آیند که باعث شده صنعت گردشگری ایران توسعه یافتگی لازم را نداشته باشد و نتواند ظرفیت های خود را به جهانیان معرفی کند.

برنامه ریزی بازاریابی گردشگری، باید مستمر و به طور فرایندی صورت پذیرد و همیشه با روش ها و ابزارهای جهانی و بین المللی و با نگاه منطقه ای به روز شود. در واقع عناصر تشکیل دهنده بازاریابی گردشگری نه تنها وسیله ای لازم و مهم برای افزایش تعداد گردشگران به شمار می رود، بلکه چنان چه با برنامه ریزی و به طور سیستمی مورد استفاده مسئولان و بازاریابان گردشگری قرار گیرد، می تواند نقشی اساسی و ارزنده در ایجاد جایگاه مثبت در ذهن گردشگران داشته باشد.

اما ضعف بازاریابی گردشگری برای ایران به ویژه از جانب نهادهای متولی، عمده ترین عامل عقب ماندگی کشورمان از روند رو به رشد این صنعت در بازارهای جهانی است. بر این اساس، باید با اتخاذ سیاست گذاری های مناسب به یک الگوی جامع در این حوزه دست یابیم و همه ساختارهای مرتبط را با آن همسو کنیم.

ظرفیت گردشگری کشورمان اگر توسعه یابد، می تواند به بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کمک شایانی کند. از مزایای این صنعت اشتغال، ارزآوری، کمک به صلح جهانی، کمک به سرمایه گذاری در میراث فرهنگی، به سازی محیط، توسعه نواحی روستایی و... است که باید از آن ها به طرز مطلوبی استفاده کرد و با برنامه ریزی و اجرای دقیق و مدیریت بازاریابی، می توان تا حدود زیادی درآمد ارزی گردشگری را افزایش داد، درآمدهای خارجی را تنوع بخشید و کشور را از آسیب پذیری ناشی از نوسانات قیمت نفت حفظ کرد. نکته قابل تامل آن که فعالیت های بازاریابی در گردشگری باید متناسب با نوع گردشگران و فرهنگ آن ها باشد و به همین دلیل، نیازمند راهبرد معین، مدیریت مناسب و نیروهای حرفه ای در این عرصه هستیم. در حقیقت در فعالیت های بازاریابی، می توان نیازهای گردشگران را شناسایی و بازارهای هدف را تعیین کرد و از منافع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این صنعت در کشور سود برد. لذا برنامه ریزی و توسعه گردشگری، مستلزم شناسایی این نوع انگیزه ها و تقاضاهاست، شناخت انگیزه ها و تقاضای گردشگران از وظایف بازاریابان این عرصه است. بدیهی است که بهره گیری مناسب از ظرفیت های گردشگری کشور نیازمند مطالعه، بررسی و برنامه ریزی دقیق است. بخشی از این بستر باید در کشورهای هدف تعریف شود یعنی به تناسب ظرفیت های موجود جامعه، هدفی شناسایی و درباره آن تبلیغات لازم انجام شود. طبیعتا باید پیش از همه این ها، نیازها و زیرساخت های داخلی نیز تامین شده باشد.

اما در این میان، نباید از ظرفیت فضای مجازی برای معرفی ظرفیت های گردشگری کشورمان غافل شویم. بستری ارزان که می تواند ما را راحت تر و هدفمندتر به جامعه مخاطبان مان برساند.

در جمع بندی این بحث باید یادآوری کنیم؛ کشور ما به لحاظ تنوع آب و هوایی از یک سو و وجود مکان های تاریخی و فرهنگی منحصر به فرد از سوی دیگر، یکی از چند کشور انگشت شمار جهان است که تاکنون از ظرفیت های بالقوه خود در این زمینه به نحو مطلوبی استفاده نکرده است. لذا در برنامه ریزی برای استفاده از این شرایط هنوز در ابتدای راه هستیم و کار مهم و اساسی برای بهره برداری از جاذبه های طبیعی صورت نگرفته است، لذا توسعه گردشگری نیازمند برنامه ریزی جامع و کارآمد است. حال یکی از راه های اساسی برای توسعه این صنعت می تواند سرمایه گذاری و تدوین سیاست های روشن در بازاریابی باشد چرا که از این مسیر، توسعه پایدار این صنعت رقم می خورد و ظرفیت های آن توسعه می یابد. امیدواریم به منظور توسعه صنعت پرسود گردشگری در کشورمان، شاهد همگرایی هر چه بیشتر ارکان آن در حوزه های مختلف با رویکرد توسعه بازاریابی باشیم.